

پاسخ 'نورالدین کیانوری'

چرا خاطرات خود را نوشتم؟

مخالفان 'حزب توده ایران' کیستند و چه می گویند؟

از آغاز انقلاب مشروطه تاکنون، هیچ حزب سیاسی باندازه حزب توده ایران تاثیر سیاسی و اجتماعی نداشته است

از ۱۲۹۸ تا ۱۳۶۱، حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران گاه علنی و با فعالیت دامنه دار، و گاه بصورت مخفی و گاه در زندان ها در مبارزات سیاسی و اجتماعی کشورمان فعالانه شرکت داشته اند.

تا پیش از غیرقانونی شدن حزب توده ایران در بهمن ۱۳۶۱، معدودی از دروغ ها و تهمت ها پاسخ داده شده بود، اما این پاسخ ها با غیرقانونی شدن حزب از دسترسی علاقمندان دور شد.

اگر زندگی وفا کند، دروغ ها، اتهامات ناجوانمردانه و تحریف ها را کالبد شکافی خواهم کرد.

در هفته های گذشته و در ارتباط با مصاحبه 'نورالدین کیانوری' در تهران، 'راه توده' نامه های متعددی دریافت داشته است. دریافت این نامه ها، پیش از هرچیز، از جانب 'راه توده'، نشانه توجه خوانندگان و علاقمندان به اهمیت مطالب مطرح شده در این مصاحبه مفصل و نفس مسئله مصاحبه ارزیابی شده است. مجسم این نامه ها، تحت بررسی است تا تصمیم ممکن درباره انتشار و پاسخگویی به آنها اتخاذ شود. مهمترین و محوری ترین سنوئل که تقریباً در کلیه نامه های وارده وجود داشته است، که چرا انتشار چنین مطالبی که بکلی با اظهارات زیرشکنجه و زندان و در محاکمات فرمایشی تفاوت دارد، در ایران ممکن شده است و 'نورالدین کیانوری' چگونه و بر چه اساسی تصمیم گرفته است از امکانات ممکن استفاده کرده و برخی مطالب را مطرح کند و بدان ها پاسخ گوید.

بخشی از پاسخ مربوط به این پرسش محوری، در مقدمه کتاب خاطرات وی، که در ماه های اخیر پرفروش ترین کتاب در داخل کشور بوده است، وجود دارد و 'راه توده' به همین دلیل تصمیم گرفته این مقدمه را که پیش از مصاحبه اخیر با روزنامه جمهوری اسلامی نوشته شده، منتشر کند. ما، تصور می کنیم این مقدمه، که با در نظر داشت تمام ملاحظات گریزناپذیر در داخل کشور نوشته شده، خود پاسخگویی برخی اتهامات و سنوالات باشد.

درباره کتاب خاطرات، نیز نویسندگان نامه ها، از جمله خواهان اطلاعاتی درباره تیراژ و میزان فروش کتاب بوده اند. آنگونه که آخرین اطلاعات گرامی می دهد؛ این کتاب در کتابفروشی های بزرگ تهران، همچنان 'کتاب گزین صندوق' است. اصطلاحی که درباره کتاب های پرفروش در تهران رایج است. تیراژ آنرا بین ۲۱ تا ۲۵ هزار به ما اطلاع دادند. انعکاس این خاطرات در میان نیروهای مذهبی و بویژه مقامات دولتی متفاوت بوده است، که ما قصد داورى نهائی را درباره این اطلاعات نداریم. ما همچنین اطلاع یافته ایم، که در ایران مصاحبه اخیر 'نورالدین کیانوری' با روزنامه جمهوری اسلامی نیز بشیوه های متفاوت جزوه شده و دست بدست می گردد. این مصاحبه نیز جداگانه چاپ و منتشر خواهد شد یا خیر؟ اطلاع نداریم.

اهمیت مطالب مطرح شده در کتاب خاطرات و مصاحبه مورد بحث تا آن حد است که کیهان چاپ لندن، انتشار آنرا بطور خلاصه و منتخب (ضمن حاشیه نویسی) و بصورت پارزقی از مدتها پیش آغاز کرده است. البته بشیوه مرسوم که در مقدمه کتاب خاطرات نیز توسط نویسندگان بدان اشاره شده است. کیهان لندن همچنین چاپ مقالات وارده در ارتباط با این خاطرات را آغاز کرده است. گویا، حاشیه نویسی، جا سازی جملات مترضه، انتخاب و چاپ قسمت های مورد نظر و ... کانی نبوده است و طرفداران کیهان چاپ لندن و ای بسا 'شاه الهی' ها، همچنان نسبت به چاپ این خاطرات مترض اند و برای شنیدن حقایق گوش آماده ندارند و چشم بستن بر حقیقت را همچنان بر آگاهی از واقعات ترجیح می دهند.

مقدمه کتاب خاطرات:

اولین پرسشی که برای خوانندگان مطرح خواهد شد به دید من این خواهد بود که چرا کیانوری پس از این همه سال به نوشتن خاطرات خود پرداخته است؟ پرسش کاملاً به جا و درستی است و نباید بدون پاسخ بماند. پاسخ چنین است: درباره هیچ سازمان سیاسی از آغاز انقلاب مشروطیت تاکنون این اندازه نوشته انتقادی، چه بصورت جزوه های کوچک مقلی درباره بخشی از فعالیت حزب توده ایران و چه بصورت کتابهای بزرگ حجم، که در برگیرنده تمام عملکرد نه تنها حزب توده

ایران، بلکه پدرش، حزب کمونیست ایران در دو دوره موجودیتش، می باشد و به صورت 'خاطرات' افراد گوناگون ایران و بیگانه، منتشر نشده است. در این ارتباط این پرسش مطرح می شود که چرا؟ پاسخ به این پرسش چنین است:

۱- درمیان دهها حزب و سازمان سیاسی و نگارنگ که از آغاز مشروطیت تا سال ۱۳۶۱ در کشورمان بوجود آمدند، هیچکدام با چنین عمر دراز آکنده از رویدادهای بسیار با اهمیت نبوده است.

۲- تاثیر هیچکدام از سازمان های سیاسی این دوران دراز، در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور، به اندازه تاثیر حزب توده ایران نبوده است.

اکنون کسی این ویژگیها را می شناسیم: حزب توده ایران و سلف آن حزب کمونیست ایران از چهار دوره بسیار با اهمیت تاریخ کشورمان که بهرشرشان با رویدادهای بسیار با اهمیت جهانی در ارتباط بوده اند، با درد و رنج و هر بار با دادن تلفاتی سنگین تر گذشته است. این چهار دوره چنین است:

یکم- لوجگیری مبارزات انقلابی در ایران همزمان با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر در روسیه تزاری، و رستاخیز مردم تبریز به رهبری شیخ محمد خیابانی، قیام مردم کیلان به رهبری میرزا کوچک خان، قیام هنگ ژاندارمری خراسان به رهبری کنل محمد تقی خان پسپان، تغییر اجباری سیاست انگلستان در ایران - تحمیل پیمان اسارت بار ۱۹۱۹، بروی کار آوردن دیکتاتوری نظامی با کودتای سید ضیاء و رضا خان در اسفند ۱۳۰۹، که آماجش سرکوب جنبش های انقلاب و ایجاد یک رژیم ضد کمونیست دست نشاندگان میان اتحاد شوروی و هندوستان بود.

دوم- سرنگن شدن رژیم دیکتاتوری بیست ساله رضا خان همزمان با آغاز جنگ دوم جهانی و در ارتباط مستقیم با آن - اشغال ایران بوسیله ارتش های متفقین (اتحاد ضد فاشیستی، اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا و انگلستان)، لوجگیری مبارزات آزادیخواهانه و حق طلبانه در ایران، گسترش نهضت های آذربایجان و کردستان، شکست آن نهضت ها و پیامدهای آن شکست.

سوم- نهضت بزرگ و تاریخی ملی کردن صنایع نفت به رهبری دکتر محمد مصدق، پیشرفتهای نهضت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پیامدهای بسیار سنگین و دردناک آن، تثبیت رژیم دیکتاتوری و دست نشاندگان و وابسته به امپریالیسم جهانی در کشورمان. چهارم- فروپاشی رژیم سی ساله پسر رضا خان و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آغاز یک دوران کاملاً نوین در زندگانی سیاسی و اجتماعی کشورمان.

در تمام این مدت دراز، از ۱۲۹۸ تا ۱۳۶۱، در سالهای آغازین، حزب کمونیست ایران و پس از آن حزب توده ایران در مبارزات سیاسی و اجتماعی کشورمان فعالانه شرکت داشته اند، گاه به طور علنی با فعالیت دامنه دار، گاه بصورت مخفی و گاه در زندان ها.

در این دوران دراز حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران تاثیر به سزائی در زندگی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشورمان داشته اند. تردیدی نیست که گذار حزب از این راه بنرنج با درگیری با سیاست های بزرگ جهانی، آنهم بدون داشتن تجربه بسنده، نمی توانست با اشتباه های کوچک و بزرگ همراه باشد.

ولی علیرغم اشتباهات، بی انصافی است اگر خدمات حزب توده ایران را در گرد آوردن و آموزش و تجهیز توده های زحمتکش کشورمان، از راه تشکیل اتحادیه های کارگری و دهقانی و سازماندهی توده های زنان، جوانان، دانشجویان و اتحادیه های نویسندگان و آموزگاران و ... به فراموشی سپاریم.

با تشکیل و رهبری این گروه سازمانها، حزب توده ایران به زحمتکشان یدی و فکری و به انتشار گوناگون اجتماعی آمیخت که چگونه با کار و مبارزه دست جمعی می توانند به حقوق حقه خود دست یابند. در زمینه فرهنگی حزب توده ایران یک نسل برجسته از نویسندگان، سرایندگان و هنرمندان تربیت کرد و به جامعه تحویل داد.

متأسفانه انتقاد کنندگان نه تنها همه این خدمات حزب توده ایران را نادیده می گیرند، بلکه این واقعت سیاسی را که حزب توده ایران یگانه سازمان سیاسی است که چهره کوب و جنایت بار فاشیسم آلمان و ماهیت راستین امپریالیسم جهانخوار آمریکا را، که حتی مبارزترین ملی گرایان ایران آن را 'فرشته آزادی' و هوادار استقلال خلق های محروم می دانستند، به مردم ایران شناساند، به فراموشی می سپارند.

انتقاد کنندگان این واقعت را هم به فراموشی می سپارند که هیچ سازمان سیاسی دیگر پیش از آغاز جنبش انقلاب اسلامی ایران، به اندازه حزب توده ایران توانست برای نشان دادن جنایات، خیانتها و توطئه های ضد ملی هیئت حاکمه ایران افشاکاری نماید.

کاش انتقاد کنندگان تنها اشتباهات حزب توده ایران را مورد سخت ترین انتقاد قرار می دادند. ولی این جور نیست. همه نوشته های کوچک و بزرگ انتقادی که من تاکنون دیده ام، تا آنجا اشتباهات را با انبوهی، دروغ، تهمت بهم آمیخته اند که اشتباهات در نوشته های شان کم شده است.

پیش از غیرقانونی شدن حزب توده ایران در بهمن ۱۳۶۱، معدودی از این انتقادات مطرح شده بود و حزب هم در نشریات خود به تفصیل نادرست را از درست سوا کرده، اشتباهات را پذیرا شده و دروغ ها و تهمت ها را پاسخ داده بود.

ولی از آنجائیکه پاسخ هائیکه تا بهمن ۱۳۶۱ حزب داده بود با غیرقانونی شدن آن، از دسترس علاقمندان دور شد، لازم بود که اگر امکان آن پیدا شود به این اتهامات که پشت سرهم، از نو، نه تنها از سوی انتقاد کنندگان ناکا، بلکه از سوی بدخواهان تکرار شده و می شود پاسخ جامعی داده شود.

به همین منظور من پیشنهاد کسانی را که خواستار آن بودند که در کنار انبوه به 'اصطلاح' انتقادات، نظر آخرین فرد بازمانده از رهبری پنجاه سال گذشته حزب توده ایران را برای نگاهداری در تاریخ بدانند پذیرفتم و آماده برای یک گفت و شنود گردیدم. در این گفت و شنود من کوشیدم هم عملکرد حزب را از آغاز تاسیس در مهر ماه ۱۳۲۰ تا بهمن

دبیر اول حزب کمونیست عراق:

دوران تقلید پایان یافته

حزب کمونیست عراق نیز تا مدتهای

طولانی اصل تنوع نظر را نمی پذیرفت

انترناسیونالیسم بتدریج عاملی شد برای دنبال روی و

تقلید از حزب کمونیست اتحاد شوروی

فروپاشی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای

سوسیالیستی را به حساب توطئه دشمن گذاشتن

ساده نگری است.

'عزیز محمد' دبیر اول حزب کمونیست عراق اخیراً در يك مصاحبه با روزنامه 'طریق الشعب' ارگان مرکزی حزب، نقطه نظرهای خود را، پیرامون حوادث اخیر کردستان عراق، فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و در راس آن اتحاد شوروی (سابق)، لزوم استقلال اندیشه و رای احزاب کمونیست، اشتباهات حزب کمونیست اتحاد شوروی، آینده سوسیالیسم، لزوم تنوع نظر در احزاب و ... بیان داشته است. قسمتهائی از این مصاحبه اخیراً به زبان فارسی ترجمه و در نشریه مسائل بین الملل (از انتشارات حزب توده ایران) چاپ شده است. 'راه توده' با توجه به گنجایش صفحات خود، این ترجمه را باز هم فشرده تر کرده و چکیده مسائل اساسی و مهم آنرا سپس از تدریج ترجمه چاپ می کند. این مصاحبه بویژه برای ایرانی های معتقد به مارکسیسم از آن رو دارای اهمیتی چند برابر است، که ایران و عراق دارای وجوه مشترک بسیاریند و احزاب کمونیست و گروهها و سازمانهای معتقد به مارکسیسم در هر دو کشور در شرایط نسبتاً مشابهی قرار دارند. 'عزیز محمد' پس از پیروزی انقلاب ۵۷ بارها به ایران سفر کرد، تا از نزدیک شاهد رویدادهای انقلابی ایران باشد. این سفرها و دیدارهای پیاپی وی و برخی دیگر از اعضای رهبری حزب کمونیست عراق با اعضای رهبری حزب توده ایران تجربه ای گرانقدر برای حزب کمونیست عراق شد.

'راه توده' امیدوار است، در يك فرصت مناسب، ارزیابی وی را از سیاست بعد از پیروزی انقلاب حزب توده ایران و اصولاً مرقمیت کنونی ایران و عراق، رویدادهای منطقه و سیاست امپریالیسم جهانی (به ویژه آمریکا) جویا شود. اینک قسمتی از مصاحبه را در زیر می خوانید:

عزیز محمد:

... من این را پنهان نمی کنم، که هر چه بیشتر به برداشتها، تحلیل های گذشته ام، و بطور کلی تمام تاریخ زندگی ام نظر می افکنم، آرمانم به يك جامعه دادگر، به يك جامعه سوسیالیست و ایمانم به محتوم بودنش نه تنها بست نشده، بلکه راسخ تر نیز شده است و در این رابطه هیچ اگرناتوری جز همان جامعه سوسیالیستی، که هدف نهائی ماست، نمی بینم. به نظر من تمام آن اشتباهات فاحشی، که سوسیالیستها، احزاب کمونیست و دولت هائی، که زمانی به 'سوسیالیست' معروف بودند، مرتکب شدند، دلیل بر این نیست، که جامعه سوسیالیستی غیرواقعی است و یا اینکه اگرناتوری بهتر از سوسیالیسم وجود دارد. ... اصولاً از همان مراحل اولیه پیدایش اندیشه های مارکسیستی - در زمان خود مارکس و انگلس و حتی زمان لنین - همزمان با شرایط نوین، تجدید نظرهای فراوانی در اندیشه ها، مفاهیم و مقولات انجام می گرفت. امر مهمی، که بعداً جنبش ما به علت جزم گرایی و مطلق سازی قادر به انجام آن نشد.

... 'نوسازی' - حتی اگر در نهایت به اشتباه هم منجر شود - ضروری است. مهم این است که همه کوشش خود را به کار بریم تا چنین اقدامی از جریان و سیر طبیعی خود منحرف نشود و چنانچه در این زمینه با سختی هایی روبرو شدیم و یا اینکه مرتکب اشتباهات زبان باری گشتیم، یاس و 'بدبینی' به خود راه ندهیم. زیرا وظیفه مهم 'نواندیشی' و به ویژه لشاعه دمکراسی در زندگی حزبی تنها راه مرقمیت ما برای آینده بهتر است.

... حزب ما، همانند دیگر احزاب کمونیست برای مدت های طولانی تنوع نظر در درون حزب را نمی پذیرفت. اصولاً اختلاف و تفاوت نظر نه تنها در درون احزاب، بلکه بین احزاب کمونیست، غیر قابل گذشت بود. مثال مشخص اینگونه موارد رابطه ما با حزب کمونیست اتحاد شوروی است. ما معتقد بودیم، که آن حزب از حیث درک و شناخت تنوری و نیز تطبیق آن با عمل، از ما در سطح بالاتری قرار دارد. لذا آنرا تنها مرجع صالحی، می دانستیم که موضع و نظر درست را ارائه می دهد.

همچنین مسئله انترناسیونالیسم، که عامل وحدت جنبش کمونیستی تلقی می شود، به عاملی تبدیل شد، که باعث تقویت و استمرار عنصر 'مرکزیت' گردید. از این رو ما دنباله رو و مقلد دیگران شدیم. تا آن حد، که حتی اشتباهات و خطاهایشان را تکرار کردیم. آنها برنامه ها و سیاست های خود را منطبق با مواضع کشورهای تنظیم می کردند، و ما بدون در نظر گرفتن مواضع کشورمان، تقلید و دنباله روی می کردیم.

... به هر حال، آنچه که حائز اهمیت است، این است، که باید از تمام راهها و روش های موجود، تا آنجا که شرایط امکان آنرا فراهم می سازد، برای پیاده کردن و گسترش دمکراسی درون حزبی بهره برداری شود. نباید مواضع غیر دمکراتیک حاکم بر کشور ما را از این امر مهم - یعنی گسترش دمکراسی درون حزبی - بازدارد. ما تا خود از اساس دمکراتیک نباشیم

۱۳۶۱ مورد يك بررسی و بازنگری انتقادی قرار دهم. انتقادکنندگان به حزب توده ایران به چند گروه تقسیم می شوند:

گروه اول: فراریان از حزب

این يك پدیده کاملاً مادی است که پس از شکست و ناکامی يك سازمان سیاسی و بویژه پس از ناکامیهای بزرگ و آغاز دشواری ها و خطرها، شاری و گاه شمار زیادی از افراد عضو آن سازمان که تحمل دشواری و خطر را ندارند از آن سازمان رویتابند. برخی از این افراد برای توجیه فرار و ترس خود می گویند عملکرد حزب و یا سازمان مربوطه را مورد 'انتقاد' قرار دهند و در این راستا 'از کاهها کوهها' می سازند و هر چه دلشان می خواهد به آن می افزایند. حزب توده ایران در دوران زندگی خود چهار بار با شکست و ناکامی روبرو شده و هر بار این پدیده فرار را دیده است. بار اول در گذر ۱۳۲۵ پس از شکست نهضت آذربایجان و کردستان، بار دوم در بهمن ماه ۱۳۲۷، بار سوم در ارتباط با کردتای ۲۸ مرداد و بار چهارم در بهمن ماه ۱۳۶۱.

گروه دوم شامل افراد بی گناه و ناکامی می شود؛ مانند حسن ضیاء، ظریفی، 'چریک فدائنی' از گروه بیژن جزینی که همراه با سایر یارانش بدست دژخیمان ساواک کشته شدند. این افراد با اطلاعات ناچیزی که از رویدادها دارند، بیشتر با تکرار بدگوییهای دیگران به خود اجازه می دهند، عملکرد حزب توده ایران را يك سره لجن مال کنند.

گروه سوم شامل دشمنان سوگند خورده حزب توده ایران می شود، مانند دکتر مظفر بقائی و اعضا، 'حزب زحمتکشان' او، چون دکتر جلال الدین مدنی و دکتر حسن آیت. درباره دکتر آیت باید بیفزایم که او در همین داشتن صداقت به انقلاب لسانی، کول مظفر بقائی را خورده بود و نظریات او را درباره رویدادهای سالهای ۱۳۲۸-۱۳۲۲ بازتاب می داد.

گروه چهارم - شامل کسانی مانند 'دکتر سنجایی' و همانند او است. این افراد که خود و گروهشان در این یا آن شکست بطور موثر دخالت داشته اند، برای فرار از مسئولیت سنگین خود به لجن پراکنی علیه حزب توده ایران دست می زنند.

گروه پنجم - شامل 'محققین' مدعی 'بررسی حقیق تاریخی' است. نمونه بسیار جالب توجه کار این گروه، اثری است که اخیراً به نام 'سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی' چاپ و منتشر شده است. تهیه کنندگان این اثر نام 'بلند آوازه' 'موسسه' مطالعات و پژوهشهای سیاسی' را برای خود برگزیده اند.

گروه ششم - شامل سازمانهای اطلاعاتی امپریالیستی یعنی دشمنان سوگند خورده مبارزات ملی و مردمی کشورهای مانند کشور ما می شود. این سازمانها که حزب توده ایران را یکی از دشمنان اصلی ناپذیر خود می دانند، بیشتر در سربرنگهاها 'اثر درخشانی' انتشارگانه (۱) بطور مستقیم و به نام خود و یا غیر مستقیم به نام فرد دیگری منتشر ساخته اند.

آخرین اثر از این گونه 'نوشته کوزچیکین' 'مفسر خانن و فراری سازمان امنیت شوروی است که به انگلستان پناه برد. این اثر که زیر نظر سازمانهای اطلاعاتی انگلیس و آمریکا یعنی 'ام-آی-۶' و 'سیا' تهیه شده و از صافی های فیلترهای آنها گذشته است، چندی پیش یعنی نزدیک به ده سال پس از فرار نامبرده منتشر گردید. در این 'اثر' مانند نمونه های دیگر، يك 'ملقه شیر با چند سطل آب گل آلود' درهم آمیخته شده است و به منظور اتهام و بدگویی به حزب توده ایران عرضه داشته شده است. میان نوشته های این گروهها تا آنجا که من تاکنون آشنائی پیدا کرده ام نوشته های فراریان و واژگان از حزب توده ایران بیشترین شماره را دارا می باشند. این دسته با نوشته های منصفین از حزب در سال ۱۳۲۶ با رهبری خطیلی ملکی آغاز و با نوشته افراد ناشناخته ای زیر نام 'گذشته چراغ راه آینده' پس از آن با نوشته های 'فریدون کشاورز' (من متهم می کنم، خاطرات 'لیرج اسکندری'، خاطرات 'انورخامه ای' و چند 'اثر' دیگر دنبال شده و با 'گروهها' احسان طبری و نوشته های 'مهدی پرتوی' پایان می پذیرد. ولی البته این پایان قطعی نیست. این روند باز هم ادامه خواهد داشت. در نوشته ای که به خوانندگان گرامی تقدیم می دارم تا اندازه ای به دروغها و اتهامات ناچوانیزدانه و تحریف های این 'اثر' پاسخ داده شده است. اما به دید من بسنده نیست و ضرورت دارد که در جزوه ویژه ای این دروغها کالبد شکافی شود.

امیدوارم در آینده نه چندان دور، اگر زندگی وفا کند، این کار را انجام دهم. با امید تندرستی و کاسیایی برای ملتدندان گیانوری آبان ماه ۱۳۷۱

حقوق زن در اسلام ناب فقهاتی

- ارزش گواهی دو زن برابر ارزش شهادت يك مرد است، سهم الارث دو زن مساوی با سهم الارث يك مرد است.
- خون بهای دو زن برابر با خون بهای يك مرد است.
- بموجب تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران، 'سن بلوغ در پسر ۱۵ سال قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است'
- بر طبق تبصره ماده ۱۰۴۱ همان قانون، 'مقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است.'

با "راه توده" مکاتبه کنید